

افغانستان و پاپیلینګاز طبیعی ترکمنستان

بعد از بیرون رفتن قوای اشغالگر استعمارگران و استثمارگران سرخ اتحاد شوروی از افغانستان ایالات متحده امریکا که با قیمت خون یکنیم ملیون افغان بیګناه جنگ سرد را از رقیب سر سخت خود اتحاد شوروی برده بود کمک های نظامی و مالی خود را به تنظیم های پشاور قطع نموده پشت به مجا هدین گشتاننده راه واشتګنن دی سی را در پیشگرفت و تنظیم ها را بحال خود شان گذاشت.

در حالیکه امپراتوری استعماری و استثمارری سرخ هنوز از هم نپاشیده و در حالت نزع قرار داشت کمپنی های آدم خوار و نفت خوار امریکائی وانګلسی به منظور تفحص هاییدرو کاربن ها {نفت و گاز} وارد آسیای مرکزی گردیدند تا با کشورهای آن که ۷۲ سال را در زیر بوغ استعمار اتحاد شوروی سپری نموده بودند قرار داد های تفحصات نفت و گاز را با آنها امضا نمایند. کمپنی براباداس ار جنتاینی برای بار اول در سال ۱۹۹۰ با بی نظیر بوتو صدر اعظم پاکستان قرار داد خط پاپیلا ین گاز تر کمنستانرا از طریق افغانستان امضا نمود و در عین وقت یونو کال از اسلام آباد و عشق آباد همکاری خود را در قسمت اعمار پاپیلا ین با کمپنی براباداس اعلان نمود.

این کمپنی ها که در جستجوی کو تاه ترین و ارزا ترین راه غرض انتقال گاز و نفت کشورهای آسیای مرکزی الی مارکت های کشورهای مصرف کننده بودند، راه و مارکت های جدید را مورد مطالعه قرار دادند تا گاز و نفت را بدانجا انتقال داده پول زیادی بدست آرند.

راه های انتقال:

- ۱- راه شرق: این راه از دو جهت برای کمپنی های نفتی مناسب و اقتصادی نبود یکی از لحاظ مسافه و دیگر، پاپیلا نیکه حکومت چین خود میخواد آنها از قزاقستان الی چین امتداد بدهد.
- ۲- راه شمال: این پاپیلا ین که نفت و گاز کشور های آسیای مرکزی را از طریق پاپیلا ین روسیه الی بحیره سیاه انتقال میدهد از نظر کمپنی های نفتی نیز مناسب به نظر نمیرسد زیرا پاپیلا ین روسیه اولاً قدرت انتقال نفت و گاز کافی را ندارد و ثانیاً انتقال گاز و نفت از طریق آن اقتصادی تمام نمیشود.
- ۳- راه جنوب: که از طریق افغانستان وارد پاکستان میشود از هر نگاه برای کمپنی های نفت و گاز مناسب، ارزان و اقتصادی است.

مارکت های جدید استهلاکی

انتقال نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی ایجاب مارکت های جدید را مینمود زیرا مارکت اروپای غربی نفت و گاز مورد ضرورت خود را از کشورهای شرق میانه، نای جیر یا و قسما از بحیره شمال و ایالات متحده امریکا، عربستان سعودی، عراق کویت و دیگر کشور ها تهیه میدارند. مارکت اروپای شرقی و کشورهای که از پیکر اتحاد شوروی جدا گردید برای نفت و گاز مورد ضرورت شان بروسیه و آذربایجان متکی میباشند.

مارکت های آسیای جنوب شرق آسیا و اقیانوس آرام از لحاظ استهلاک نفت و گاز در حالت انکشاف قرار دارند و در آینده منافع بزرگی را برای شان بارمغان خواهد آورد. روی این منظور یونوکال حکومت ایالات متحده را که به افغانستان پشت گشتاننده بود و ادار ساخت تا دوباره بپاکستان آمده امنیت را در افغانستان برگرداند تا پایپ لاین گاز را از افغانستان الی پاکستان امتداد بدهد. ایالات متحده، پاکستان و عربستان سعودی هر کدام شان که اهداف جدا گانه در کشور ما داشتند باهم یکجا شده مثلثی را تشکیل دادند. در این مثلث ایالات متحده و عربستان سعودی مصرف پولی و پاکستان تهیه پرسونل را بدوش گرفت و در ۲۴ جولای ۱۹۹۴ تحریک طالبان را به وجود آوردند.

از ۲۴ جولای ۱۹۹۴ طالبان به کمک پولی ایالات متحده امریکا عربستان سعودی و ای اس ای پاکستان تا از بین رفتن طالبان و شهید شدن هزاران افغان بیګناه امنیت درکشور ما تا مین نگردید اما قرار داد امتداد پاپیلا ین را کمپنی های نفت خوار و آدم خوار گاهی بین سران کشورهای ترکمنستان افغانستان و پاکستان تجدید می نماید و نمی گزارند که موضوع بفراموشی سپرده شود چنانچه در نیمه دوم ماه دسمبر ۲۰۱۰ حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان به عشق آباد پای تخت ترکمنستان سفر نمود تا قرار داد امتداد پاپیلا ین گاز را باسفر نیازوف رئیس جمهور ترکمنستان تجدید امضا نماید.

در ۲۰ دسمبر حکمتیار لیدر حزب اسلامی از مخفی گاه اش اعلان نمود که حزب وی آماده است تا از پایپلاین در داخل افغانستان محافظت نماید. فهمیده نمیشود که چه انگیزه جناب حکمت یار را وادار ساخته است تا از منافع کمپنی های نفت خوار و آدم خوار کشورهای غربی حمایت نماید، در حالیکه حزب وی همین اکنون در کنار طالبان نه تنها در تخریب وطن بلکه در شهید نمودن هموطنان خود دست دارد.

مزایای مادی پایپلاین

جای شک و تردید نیست پولیکه از درک حق العبور گاز عاید حکومت افغانستان میشود مبالغهنگفتنیست و قرار راپور انتشار یافته سالانه در حدود چهار صد میلیون دلراست و در پهلوی آن برای یکتعداد افراد بیکار، کار خلق خواهد نمود و همچنان در راپور تصریح گر دیده است در صورتیکه در آینده در افغانستان ذخایر بزرگ نفت و گاز کشف گردد حکومت افغانستان میتواند گاز خود را نیز از طریق این پایپلاین به مارکت های گاز در خارج از کشور صادر نماید.

از آنجاییکه افغانستان با کشورهای آسیای مرکزی بخصوص ازبکستان و ترکمنستان هم سرحد است و ساختمان های جیولوژیکی صفحات شمال کشور و خاصتا ولایات هرات فاریاب جوزجان سرپل و بلخ موجودیت ذخایر بزرگ گاز و نفت را در این ولایات باز میگذارد زیرا مطالعات ساختمانها بحیره کسپین خاطر نشان میدارد که قسمت جنوب شرقی کوپت داغ بزرگ از ترکمنستان گذشته وارد ولایات متذکره گر دیده است. گوپت داغ عبارت از ساختمان قسمت تحتانی آبهای بحیره کسپین است که از لحاظ نفت و گاز خیلی ها غنیست و از طرف دیگر نتایجیکه از کشفیات گاز در ولایت شبرغان و نفت در ولایت سرپل اخیراً کشف چاه بزرگ نفت و زون نفت خیز را در ولایت بلخ موجودیت ذخایر بزرگ نفت و گاز را در صفحات شمال کشور بملت افغان مژده میدهد.

خطراتیکه از ناحیه امتداد پایپلاین متوجه ملت افغان است:

۱ - خطر فعلی

از روزیکه موضوع امتداد پایپلاین از طریق مدیای جهانی بسمع مردم جهان رسیده است حکومت منافق و شیطان صفت اخوندی ایران یک لحظه آرام نه نشسته همیشه و از همان روز تا اکنون بی امنیتی را در کشور ما و بخصوص ولایات غربی افغانستان از طریق تمویل و مسلح ساختن طالبان فرستادن گروپ ها انتحاری سپاه پاسداران شیطان نا امنی در غرب افغانستان دامن میزند و در ضمن سران حکومت عده از وکلای جرگه و جذب را با بوجی های یورو تطمیع نمی نماید تا با مداخلات غیر قانونی شان در امور کشور ما اعتراض نکنند. باین ترتیب تا کنون تمديد پایپلاین کار ترکمنستان را از افغانستان به تعویق بیندازد تا در آینده اگر توانسته باشد آنرا از طریق کشور خود شان امتداد بدهند.

پیشنهاد ما به ملت افغان اینست: تا زمانیکه در مرکز یک حکومت ملی و مردمی و در ولایات سرحدی با ایران والی های چون آقای الیفی والی ولایت نیمروز زمان صدارت صدر اعظم محمد داود خان نداشته حکومت منافق و شیطان صفت اخوندی ایران از مداخلات علنی و آشکاراش در امور داخلی افغانستان دست بردار نخواهد شد.

۲ - خطر آینده

خطریکه در آینده از ناحیه کمپنی های نفت خوار و آدم خوار غربی متوجه کشور و ملت خواهد شد جبران نا پذیر خواهد بود و حکومت افغانستان باید از دزدی های اتحاد شوروی از گاز طبیعی شبرغان پند بگیرد جیولوژیستان افغان - شوروی از سال ۱۹۶۳ الی سال ۱۹۷۷ در ساحات خواجه گوگردک شیرغان ۵۰۰ تریلیون مکعب فیت گاز را کشف نمودند و از مجموع ۴۸۵ تریلیون مکعب فیت آنرا غرض قروض مصارف تجا و ز و تمویل جنگ به شوروی انتقال دادند و در اخیر حکومت فعلی روسیه ادعای تا دیه ۱۰ بلیون دالر قرضه اتحاد شوروی را خلاف موازین و پرنسیب های حقوق عمومی بین الدول از حکومت آقای کرزی داشت و تا امروز نه خود رئیس جمهور کرزی و نه هم وزارت های مسئول مانند وزارت خارجه معادن و صنایع بجواب ادعای کشور روسیه نگفت که اتحاد شوروی استنثار گر ۴۸۵ تریلیون مکعب فیت گاز طبیعی افغانستان را که به شوروی انتقال داده است پول آن چطور و بکدام حساب محاسبه شده است و بکدام مرجع افغانی تادیه شده است که حالا شما ۱۰ بلیون دالر دیگر از ما تقاضا دارید.

گذشته از آن اگر سوابق استنثاری و دزدی های کمپنی های نفتی غربی را در برما و کشور اکوادور مطالعه نمایم باین نتیجه میرسیم که: حکومتیکه رئیس آن منافع خود و فامیل خود را بر منافع ملی ترجیح بدهد و واضح است که کمپنی های نفت خوار و آدم خوار غربی از افغانستان برما و اکوادور خواهد ساخت و این بار ملت ما از کمپنی های نفت بلیونها دالر مدیون خواهد شد. و ملت بیچاره افغان میلیونها دالر مقروض آنها خواهد ماند مثلیکه مقروض اتحاد شوروی مانده بود.

پایان